

به نام خدا

۳- رعایت فاصله اجتماعی

خانه در سکوت است که صدای جیغ بلندی می آید.

درهای اتاق ها باز می شود.

مادر که حسابی ترسیده فریاد می زند.

مادر: صدای چی بود؟ صدای چی بود؟ صدای چی بود؟

پسر: صدای خودته.

مادر: نه قبلش ..یک صدای جیغ اومد.

صدای مردانه ای که جیغ می کشد از بیرون کادر می آید.

صدای مرد بیرون کادر: نزدیک نشو!

مادر و پسر با عجله به دنبال صدا از قاب خارج می شوند.

پدر نزدیک گاوصندوق ایستاده. کمی آن طرف تر دو دزد که با ماسک نیمی از صورت هایشان را پوشانده اند با

حالتی ترسیده و نامطمئن گارد گرفته اند.

مادر و پسر وارد قاب می شوند.

مادر: چی شده ؟ وای کرونا!!!

مادر به ماسک دزدها اشاره می کند.

دزد: نه خانم ما دزدیم. نگران نباشید. ماسک زدیم برای پوشش.

مادر که خیالش راحت شده نفسی به آسودگی می کشد.

پدر: نترس. چیزی نیست. دزدن. داشتن قفل گاوصندوق رو باز می‌کردند. هول کردم بدون دستکش خواستم بگیرمشون. طفلیا ترسیدن داد زدن.

دزد: بالاخره خانوم الان شرایط بحرانیه حداقل تو تماس نزدیک دستکش لازمه.

دزد دیگر محلول ضدعفونی‌اش را نشان می‌دهد.

دزد: اگه همه رعایت کنند؛ زنجیره قطع میشه. ما هم رعایت کردیم هم به در، هم به گاوصندوق اول محلول ضدعفونی زدیم. توقع زیادیه شما هم رعایت کنید؟

پسر خواب‌آلود از جیب خود دستکش در می‌آورد و به پدر می‌دهد.